

تاب آوری در مسیر پیروزی



قادر باستانی‌تبریزی

پژوهشگر علوم ارتباطات

ما در فرهنگی بزرگ شده ایم که شیفته پیروزی است. ظفر را به رخ می کشد و زخم شکست را زیر لایه ای از سکوت، پنهان می دارد. رسانه های ما، خانواده های ما و حتی نظام آموزشی ما، همه با هم در القای این پنداشت شریک اند که همیشه باید برنده بود. در این نگاه، جایی برای شکست نیست؛ گوئی شکست اصلاً معنا ندارد. این تلقی، ما را نه فقط از تجربه که از بازاندیشی هم محروم کرده است. اما واقعیت این است که ملت ها، درست مثل آدم ها، نه با پیروزی، بلکه با گذار از شکست ها شکل می گیرند و رشد می کنند. اگر شکست در روایت های رسمی ما جایی نداشته باشد، فرآیند بلوغ و یادگیری جمعی نیز عقیم می ماند. این نوشتار تأملی است درباره ناتوانی ما در زیستن با شکست و تماشای کسانی که با شکست، رشد کردند.

من دخترک هفت ساله ای را دیده ام که با خونسردی شگفت انگیز، مقابل ده ها تماشاگر نشسته، دست های کوچک اش را روی کلاویه های سیاه و سفید می لغزاند و قطعه ای دشوار از شوپن را چنان می نوازد که گوئی اصلاً نمی داند چیزی به نام ترس یا شکست وجود دارد. نوجوانی را دیده ام که در رقابتی جهانی، با وقاری فراتر از سال های عمرش، قهرمان می شود؛ بی هیجان، بی غرور، اما عمیقاً آرام. ما چنان در خشش موفقیت را بزرگ و خارق العاده می دانیم که مسیر پنهان رسیدن به آن را فراموش می کنیم؛ تاب آوری در برابر ناکامی، ایستادگی پس از افتادن و یاد گرفتن از هر لغزش. هیچ کس موفق و پیروز از مادر زاده نمی شود. آن که پیروز می شود، بارها زمین خورده، اما بر خاسته و از هر شکست، پلی ساخته تا به نقطه درخشش برسد. در دنیایی که ما ساخته ایم، شکست بر چسبی هراس آور است. رسانه هایی که قرار بود آینه ملت باشند، آن قدر از واژه شکست فاصله گرفته اند که ترجیح می دهند روایت هایی آراسته بگویند، نه واقعیتی که گاه تلخ است، اما ضروری. گوئی ما آموخته ایم که شکست، تنگ است و کاستی، گناه و بازنگری و اصلاح، خیانت.

ولابد رسانه، اگر آینه ای بی پیرایه باشد، می تواند نگاه مهربان مادری را ایفا کند که کنار زمین ایستاده، نه برای تشویق فرزندش به پیروزی، بلکه برای پناه دادن به او هنگام شکست. اگر رسانه به جای فرار از واقعیت، شجاعت روایتگری صادقانه را پیشه کند، آنگاه شکست، نه تهدیدی برای وحدت، که فرصتی برای همدلی خواهد شد. در چنین نگاهی، ملت نه با حذف ضعف ها، بلکه با پذیرش آن ها به بلوغ می رسد؛ و صداقت نه تنها رسوایی نمی آفریند، که عزت می آورد.

اگر روزی را تصور کنیم که در آن رسانه ها حقیقت را نه برای هراساندن که برای تاب آوری بازگو کنند، شاید آن روز بتوانیم از زخم های مان شرم نکنیم. شاید بتوانیم جامعه ای داشته باشیم که به جای مجازات خطا، به ترمیم آن فکر می کند. شکست، زمانی خطرناک است که دیده نشود، که گفته نشود، که روایت نشود. جامعه ای که جرات ندارد شکست هایش را ببیند و تحلیل کند، توان بازسازی و بازآفرینی ندارد. آنچه ما را از افتادن جدا می کند، ظرفیت رویارویی با ناکامی است.

امروز بیش از هر زمان، به رسانه هایی نیاز داریم که بتوانند شکست را آبرومندانه بازتاب دهند؛ رسانه هایی که از روایت گری صرف موفقیت ها عبور کنند و جسارت ایستادن در برابر زخم های ملت را داشته باشند، نه برای ملامت، که برای مراقبت؛ نه برای ناامیدی، که برای بلوغ جمعی. ما به رسانه هایی نیاز داریم که واژگان خود را از دردهای واقعی مردم وام بگیرند، نه از گزارش های رسمی پُرطمطراق پیروزی ها. رسانه اگر آینه باشد، ملت می تواند خود را با تمام کاستی ها، گسست ها، فرصت ها و امیدهایش ببیند، بفهمد خودش را ترمیم کند.

شاید اگر بتوانیم در آینه رسانه های صادق، تصویر واقعی خود را ببینیم، نخستین گام را به سوی ملت بودن برداشته باشیم. ملتی که می داند یکدست نیست، اما یکدل می تواند بماند. ملتی که می پذیرد تنوع دیدگاه و تفاوت تجربه، نقطه ضعف نیست، بلکه سرمایه ای است برای ساختن آینده ای منعطفتر، انسانی تر و تاب آورتر. ملتی که شکست هایش را انکار نمی کند، بلکه از آنها پالی به سوی فهم و فلاح می سازد.

و چنین ملتی، تنها زمانی اعتلا می یابد که میان حاکمان و مردم، میان سیاست و جامعه، و میان رسانه و حقیقت، فاصله ای باقی نمانده باشد. شاید پیروزی همیشه آسان به دست نیاید، اما پختگی، صداقت و تاب آوری، گوهرهایی اند که حتی در دل دشواری ها و تجربه های سخت نیز شکوفا می شوند. اگر اراده کنیم و همدل باشیم، می توانیم از هر چالشی پلی بسازیم به سوی فردی ای پُر امید و ملت یکدل و استواری بسازیم که بر حقیقت و تلاش مستمر خود نباشد است.

۱۶

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

- صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کریاچی
- مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
- سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
- دبیران گروه ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین الملل)
- علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
- مدیر اداری و آگهی ها: شاهرخ حیدری
- مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
- هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۵۰۲۱ • آگهی ها: ۸۸۷۳۵۰۲۰ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸

• لیتوگرافی و چاپ: همیهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



عکس: قادر اسبوسون والیبال ایران

امیدوار کنند به امتخصص ایتالیایی

بررسی نتایج تیم ملی والیبال ایران تا پایان هفته دوم لیگ ملت ها در گشت وگوبا حسین خوریانی



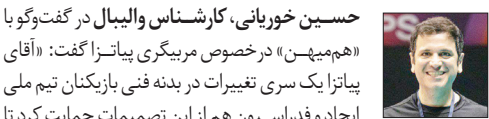
سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی همیهن

«سه بره از چهار مسابقه دور دوم»، دست پخت مربی هنرمند ایتالیایی به نام «روبرتو پیاتزا» است که توانسته امید را به اردوی تیم ملی بزرگسالان ایران برگرداند. بعد از رفتن خولیو ولاسکو و تا حدودی کواچ، والیبال ایران دیگر آن روزهای طلایی با نسلی تکرارنشدنی را ندید. طی یکی، دو سال اخیر حتی برخی به کنایه می گفتند پیروزی مقابل ژاپن بازم در آستانه تبدیل شدن به یک آرزو است اما پیاتزا حداقل در کوتاه مدت ثابت کرده می تواند انگیزه، انرژی، بار فنی و تلاش را به مجموعه والیبال ایران برگرداند. مربی ایتالیایی که جزو ۱۲ مربی برتر دنیا است و قبلاً در تیم ملی هلند نیز کار کرده بود، روز گذشته توانست با تعویض های کم نظیرش با حساب سه بر دو از سد هلند عبور کند تا از چهار مسابقه دور دوم، ایران سه پیروزی ارزشمند را کسب کرده باشد. ایران در آخرین مسابقه هفته اول اوکراین را شکست داد، در شروع هفته دور برابر صربستان، آرژانتین و هلند به برتری رسید و مقابل آلمان شکست خورد. در این گزارش علاوه بر بررسی عملکرد تیم ملی ایران در لیگ ملت ها با حسین خوریانی کارشناس این رشته گفت وگو کردیم و نظر ایشان را جویا شدیم که آینده والیبال کشورمان با پیاتزا به چه سمت و سویی خواهد رفت.

▼ اعتمادسازی به سبک پیاتزا

والیبال ایران در سال های اخیر، با موفقیت در رده های پایه و قهرمانی های جهانی، نشان داده که در مسیر درستی از استعدادیابی و پرورش بازیکنان جوان گام برداشته است. کسب دو عنوان قهرمانی در مسابقات جوانان جهان طی چندسال اخیر، ثابت کرده که ایران در زمینه نیروی انسانی، یکی از قدرت های نوظهور و برتر دنیا در والیبال است. در رده بزرگسالان اما اغراق نیست بگوییم بعد از پایان دوران حرفه ای نسل طلایی که آغازگر روزهای پر فروغ آن خولیو ولاسکو بود، نتایج آنطور که باید در خشان نبود. مربیان خارجی متوسط، یکی پس از دیگری آمدند و رفتند اما نتوانستند والیبال ایران را به ساحل آرمش بازگردانند. بهروز عطایی با سابقه قهرمانی در لیگ برتر ایران هم به عنوان یک گزینه ایرانی باوجود نتایج قابل قبول در سال نخست، نتوانست مسیر صحیح را ادامه دهد. با این حال اما «پیاتزا» که جزو ۱۲ مربی برتر دنیاست سرانجام به عنوان سرمربی تیم ملی ایران معرفی شد تا نوبدبخش بازگشت به روزهای خوب گذشته باشد.



حسین خوریانی، کارشناس والیبال در گفت وگو با «همیهن» در خصوص مربیگری پیاتزا گفت: «آقای پیاتزا یک سری تغییرات در بدنه فنی بازیکنان تیم ملی ایجاد و فدراسیون هم از این تصمیمات حمایت کرد تا تغییر نسل شکل بگیرد. در گذشته هم گاهی این اتفاق افتاد اما فدراسیون از پوست اندازی ها حمایت نکرده بود. نکته بعدی از لحاظ سرویس پرشی و خط حمله، تیم ملی با پیاتزا رشد قابل توجهی کرده است. به لحاظ کلی، ایران هشت مسابقه انجام داده که چهار بُرد و چهار شکست داشته است. البته تحلیل منطقی و نه احساسی این است که ما می توانستیم از بین آلمان، آمریکا و اسلونی حداقل دو مسابقه را پیروز شویم که تا پایان دور دوم، با شش برد کار را تمام می کردیم. البته نقدی که وجود دارد این است که ترکیب ثابت توسط آقای پیاتزا دائماً تغییر می کند و باعث می شود ما امتیاز زیادی از دست بدهیم. البته شرایط ما در حال حاضر مطلوب است و پیروزی مقابل اوکراین ارزشمند بود. در هفته سوم هم باید حداقل سه برد کسب کنیم تا از رنکینگ جهانی غافل نشویم. چون بسیاری از تیم ها برخی از ستاره هایشان را نباوردند و باید از این موضوع بهره ببریم.»

نکته قابل توجه و البته متفاوت این است که پیاتزا اهل بهانه جویی یا

انداختن شکست به گردن دیگران نیست. تیم ملی ایران که مقابل آلمان شکست غیرمنتظره ای را متحمل شد، پیاتزا در نشست خبری بسیار شفاف و واضح اعلام کرد، مقصر این شکست فقط اوست و بس. نه بازیکنی را مورد شماتت قرار داد، نه از امکانات مدنظرش گفت.

▼ نابغه ایرانی

از دیگر کارهای بزرگی که پیاتزا انجام داد، تغییر نسلی است که شاید هر مربی ای شهادت اش را نداشت. زدن ستاره های قدیمی که سال ها در تیم ملی ایران بازی کردند، شاید از دید برخی باعث ایجاد حواشی می شد اما پیاتزا پذیرفت که برای تغییر، باید نسل جدیدی را راهی مسابقات بین المللی کرد. خوریانی در خصوص این تغییر نسل افزود: «نکته مثبت در تیم فعلی در پست دفاع وسط است که همگی جوان هستند. سه بازیکنی که از دل لیگ خارج شدند: یوسف کاظمی، عیسی ناصری و متین احمدی که بسیار امیدوارکننده ظاهر شدند. درست است که در بحث سخت افزار در لیگ ضعیف هستیم ولی در بُعد فنی همین سه بازیکن ثابت کردند سطح لیگ ایران بالاست.» یکی دیگر از ستاره های درخشان والیبال ایران که مسیر موفقیت را با قدرت طی کرده، پوریا حسین خانزاده است. این پدیده جوان که اولین بار توسط مسعود آرمان، سرمربی وقت تیم ملی نوجوانان، کشف شد، توانست خیلی زود تبدیل به یکی از استعداد های کم نظیر والیبال ایران شود. خانزاده با درخشش در مسابقات جوانان جهان، توانایی های خود را به رخ کشید و نوبد ظهور یک ستاره درخشان در والیبال ایران را داد. حسین خانزاده بعد از درخشش در فولاد سیرجان، راهی لیگ مطرح و سخت ایتالیا و تیم لوبه این کشور شد. سری آ ایتالیا، معتبرترین لیگ والیبال جهان است و راه یافتن به آن برای بسیاری از بازیکنان، یک رویا محسوب می شود. اما خانزاده نفعته به سری آ راه یافت، بلکه توانست به عضویت یکی از بهترین تیم های این لیگ، یعنی لوبه درآید. او با لوبه به قهرمانی جام حذفی ایتالیا رسید و نام خود را به عنوان یکی از معدود بازیکنان ایرانی که موفق به کسب افتخار در سطح اول والیبال اروپا شده اند، ثبت کرد.

▼ تمجید لهستانی ها

یکی از بازیکنان جوان ایران که در لیگ ملت های امسال خوش درخشیده، امین اسماعیل نژاد است؛ بازیکنی که توسط رسانه های لهستانی با لقب «مهارنشده»، مورد تمجید قرار گرفت. امین اسماعیل نژاد بعد از حضوری کوتاه مدت در ایتالیا تصمیم به حضور در لیگ قدرتمند لهستان گرفته است. این بازیکن ایرانی برای اولین بار در فصل ۲۰۲۴-۲۰۲۳ تصمیم گرفت در خارج از ایران بازی کند. او راهی تیم ورونا ایتالیا شد و از فصل جدید در «اسکرا» لهستان بازی می کند. او در سه هفته نخست لیگ لهستان درخشید و در پایان هر سه بازی به عنوان بهترین بازیکن زمین انتخاب شد. سایت والی نیوز لهستان در ارزیابی عملکرد اسماعیل نژاد نوشت: امین اسماعیل نژاد در اولین فصل حضورش در لیگ لهستان، بار دیگر تأثیری باورنکردنی از خود بر جای گذاشت. اسماعیل نژاد، دومین ایرانی تاریخ اسکراست. اولین نفر، میلاد عبادی پور بود که برای این تیم لهستانی بازی کرد. گفتنی است، امین اسماعیل نژاد موفق شد در تقابل ایران و آمریکا در لیگ ملت های ۲۰۲۵ که در جریان است، به تنهایی ۳۰ امتیاز برای تیم ملی والیبال ایران کسب کند و به این ترتیب، تبدیل به اولین بازیکن این فصل لیگ ملت های والیبال شد که در یک مسابقه به مرز ۳۰ امتیاز می رسد؛ آماری که تاکنون هیچ بازیکن دیگری در رقابت های این دوره از مسابقات به آن دست نیافته است. تیم ملی ایران در هفته سوم باید با لهستان، چین، فرانسه و بلغارستان به میدان برود. حسین خوریانی در پایان معتقد است، اگر فدراسیون والیبال بتواند برخی بازیکنان را از طریق زمینی به اردوی تیم ملی اضافه کند، تغییرات برخی نفرات می تواند مسیر موفقیت بیشتر را برای ایران هموارتر کند. باید دید نتایج در هفته سوم چطور پیش می رود و امتیاز رنکینگ برای ایران در جدول چطور خواهد شد.

چهره

خاموشی پیرمرد هنرمند

درباره جمال اجلائی بازیگری که در میانسال‌ی به شهرت رسید اما با نقش‌های ماندنی



سوسن سیرجانی

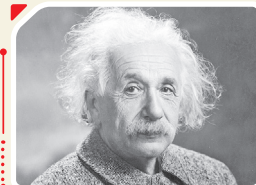
خبرنگار گروه فرهنگ

پیرمردی عینکی، مغرور و قدبلند با گردنبندی طلی در یک آسایشگاه سالمندان، بی پرسرک کوچکی می گردد که بدون اجازه وارد آنجا شده. این شروع برقراری ارتباط چند پیرمرد در این آسایشگاه با کودکی است که می خواهد مردی به نام سیبیلو رانجات دهد. اما آن پیرمرد عینکی که همه او را بانام داودی می شناختند، با همدستی چهار نفر، از وجود این کودک استفاده می کنند تا درس عبرتی به گردانندگان بداخلاقی و سختگیر آسایشگاه بدهند. از فیلم محبوب «مدرسه پیرمردها» حرف می زنیم. از اولین تصویر ماندگار جمال اجلائی در سینما که پس از سال ها فعالیت در تئاتر او را بیشتر به مخاطب معرفی کرد. اجلائی متولد سال ۱۳۲۶ بود. از کودکی به هنر علاقمند شد و با ترانه ای بسیار خوب در دهه ۴۰ وارد دانشکده هنرهای زیبا شد. یکی از کاشفان اصلی هنر او، حمید سمندریان بود. سمندریان در بسیاری از تئاترهای دهه ۵۰ و پس از انقلاب دهه ۶۰ که به صحنه می برد، نقشی به اجلائی می داد. او در آن سال ها فقط در تئاتر حضور داشت. وقتی سمندریان در سال ۱۳۶۸ تصمیم گرفت اولین و تنها ترین ساخته سینمایی خود را جلوی دوربین ببرد، شرایطی به وجود آمد تا جمال اجلائی هم از تئاتر به پرده سینما بیاید. این فیلم اتفاق خاصی برای این بازیگر و کارگردانش رقم نزد. اما دو سال پس از آن، وقتی محمدعلی سجادی حسینی و فرشته طائرپور برای ساخت «مدرسه پیرمردها» به دنبال بازیگرانی بودند تا یک گروه ویژه از مردان بالای ۶۰ سال را دور هم جمع کنند، سراغ اجلائی رفتند. او در آن زمان تنها ۴۴ سالش بود، اما با گرم و بازی منحصربه فردی که داشت، هیچ کس متوجه اختلاف سنی او با شخصیتی که بازی می کرد، نشد. اجلائی در کنار مهدی فتحی و سعید پورصمیمی، گروهی را تشکیل داده بودند که از هیچ خرابکاری و اغتشاشی بر ضد روز حاکم بر آسایشگاه، فروگذار نکردند. با وجود تصویر ماندگاری که جمال اجلائی در این فیلم از خود به جا گذاشت، به مدت ۷ سال از بازیگری دور ماند تا اینکه در سال ۱۳۷۷ با سریال «در قلب من» به کارگردانی حمید لیخنده، به تصویر بازگشت و دو سال بعد از آن با فیلم «آبی»، بازم به کارگردانی لیخنده، به بازیگری بازگشت. بازی او در سریال «در قلب من» در نقش مردی سختکوش و خانواده دوست، اتفاق مهمی در کارنامه اش نبود. اما در فیلم «آبی»، او پدیری سختگیر بود که نمی خواست فرزندش را از دست بدهد. اجلائی از دهه ۸۰ بیشتر ترجیح داد در همان ژانر کمدی حضور داشته باشد؛ ژانری که با بازی حسی و ژن صدای منحصر بفرد او، معمولاً از پس آن به خوبی برمی آمد. اما شاید یکی از برجسته ترین نقش هایی که به جمال اجلائی سپرده شد، کاراکتر دکتری معنادر در فیلم «آرایش غلیظ» ساخته حمید نعمت الله در سال ۱۳۹۲ بود. تقابل او با شخصیت مسعود با بازی حامد بهداد در این فیلم، سکانس های فراموش نشدنی از بازی اجلائی در «آرایش غلیظ» به یادگار گذاشته. خیلی دیر کارگردانی به این فکر افتاده بود که نقش یک معنادر را به این بازیگر توانا بدهد. اما همین نقش هم در ذهن مخاطب سینما، بر جسته و ماندگار است. جمال اجلائی دقیقاً پس از همین فیلم بر سر فیلمبرداری، دچار سکنه مغزی شد و مشکلات جسمی پیدا کرد. تا چندسال بازم در برخی آثار سینمایی و تلویزیون حضور پیدا می کرد، اما در پنج سال اخیر به دلیل اثرگذاری بیماری اش بر صدا و عوارض جانبی و گوارشی که برایش پیش آمده بود، دیگر نمی توانست جلوی دوربین قرار بگیرد. اجلائی پس از پنج دهه بازیگری، با کارنامه ای کوتاه اما پر بار روز گذشته، هشتم تیرماه در سن ۷۸ سالگی در خانه اش در تهران درگذشت.



تاریخ

انتشار نظریه نسبیت اینشتین



در چنین روزی در سال ۱۹۰۵، آلبرت اینشتین نظریه نسبیت خاص خود را در مقاله ای با عنوان «درباره الکترو دینامیک اجسام متحرک» منتشر کرد و توجه جهان علمی به فیزیکدانی جوان و با استعداد جلب شد. اینشتین ۲۶ ساله، نظریه خود را در مجله ای به نام Annalen der Physik به چاپ رساند. این نظریه دو اصل بنیادی را مطرح کرد؛ نخست، اصل نسبیت که می گوید قوانین فیزیک در تمام چارچوب های مرجع تخت یکسان اند و دوم، ثابت بودن سرعت نور برای همه ناظران صرف نظر از حرکت منبع یا ناظر.

نظریه نسبیت خاص درک کلاسیک نیوتونی از فضا و زمان را دگرگون کرد. این نظریه راه را برای ارائه «نسبیت عام» در ۱۹۱۵ هموار ساخت. اینشتین در زمان انتشار نظریه اش، هنوز در دانشگاه سمّت و جایگاه رسمی نداشت و در اداره ثبت اختراعات سوئیس کار می کرد.